

ساخت و ارزیابی پرسشنامه زمینه‌های طلاق با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران

پرستو تقوی دینانی^۱
فریبرز باقری^۲
جواد خلعتبری^۳

چکیده

طلاق پدیده‌ای مخرب و روزافزون در جوامع امروزی است که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و روانشناختی منفی بسیاری برای افراد مطلقه دارد. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف ساخت و ارزیابی پرسشنامه زمینه‌های طلاق با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران انجام شد. پژوهش حاضر ترکیبی (کیفی و کمی) از نوع اکتشافی با رویکرد آزمون‌سازی بود. جامعه پژوهش در بخش کیفی زنان و مردان مطلقه و در بخش کمی زنان و مردان متأهل شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بودند. نمونه پژوهش در بخش کیفی ۱۵ فرد مطلقه بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و تحت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند و در بخش کمی ۵۶۰ فرد متأهل بودند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به ابزار محقق‌ساخته زمینه‌های طلاق پاسخ دادند. داده‌های بخش کیفی با روش اشتراک و کوربین و در بخش کمی با روش تحلیل عاملی اکتشافی در نرم‌افزار SPSS-۲۱ تحلیل شدند. ابزار پژوهش در ابتدا ۱۴۵ گویه داشت که ۳ گویه آن بر اساس اجرای مقدماتی بر روی ۳۰ نفر حذف و نسخه ۱۴۲ گویه‌ای بر روی ۵۶۰ نفر اجرا شد. روایی صوری و محتوایی ابزار با نظر متخصصان تایید و روایی سازه آن با روش تحلیل عاملی تایید شد. پس از تحلیل عاملی نیز ۱۱ گویه حذف و نسخه نهایی با ۱۳۱ گویه و ۵ عامل شامل عوامل روانشناختی موثر در تعارض، معیار بیرونی، سرگشتگی عاطفی - معیاری، عدم پختگی عاطفی و سبک حل مساله اجتنابی طراحی شد. پایایی عامل‌های عوامل روانشناختی موثر در تعارض ۰/۹۷، معیار بیرونی ۰/۷۲، سرگشتگی عاطفی - معیاری ۰/۷۲، عدم پختگی عاطفی ۰/۷۴ و سبک حل مساله اجتنابی ۰/۷۸ محاسبه شد که حاکی از اعتبار مناسب عوامل می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: زمینه‌های طلاق، روایی، پایایی، شرایط اجتماعی و فرهنگی

۱. دانشجوی دوره دکتری روانشناسی عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. دانشیار گروه روانشناسی بالینی و عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
f.bagheri@srbiau.ac.ir
۳. دانشیار گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

مقدمه

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که ناشی از پیوند زناشویی زن و مرد می‌باشد و پیوند زناشویی به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین انواع روابط انسانی دارای چنان توان بالقوه‌ای در آزادسازی احساسات است که در کمتر روابط بین‌فردی دیگر می‌توان نظیر آن را یافت (یزدان‌پناه، جورکش، دهقان و جعفرنژاد، ۱۳۹۸). خانواده به لحاظ قدمت ابتدایی‌ترین و از لحاظ گستردگی جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی است و این نهاد سنگ بنای جامعه بزرگ انسانی است که در استحکام روابط اجتماعی و رشد یکایک اعضای جامعه نقش بنیادین دارد. بنابراین تلاش در جهت استحکام خانواده و استوارسازی روابط درون این سیستم زمینه را برای سلامت اخلاقی و عمومی فراهم می‌کند (دی‌لانگیس و زویکر^۱، ۲۰۱۷). طلاق یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی است که فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد (اندربرگ، رینر و رودر^۲، ۲۰۱۸).

یکی از مهم‌ترین روابط انسانی، روابط مربوط به خانواده است که سامانه ارتباطی منحصر به فردی دارد و یگانه سامانه اجتماعی می‌باشد که اعضای آن تحت تاثیر عوامل زیستی، قانونی، هیجانی، جغرافیایی و تاریخی قرار می‌گیرند (تابول و یانیو^۳، ۲۰۱۹). وجود تعارض در روابط بین‌فردی اجتناب‌ناپذیر است و روابط زناشویی نیز از این امر مستثنی نیست. آنچه اهمیت دارد چگونگی برخورد افراد با تعارض است (بالاندا، براون و یاماشیتا^۴، ۲۰۱۶) و افراد در کنترل چنین تعارض‌هایی به صورت متفاوت عمل می‌کنند و ناتوانی برخورد مناسب با تعارض‌های موجود ممکن است افراد را به سمت طلاق سوق دهد (اخوی ثمرین، زهراکار، محسن‌زاده و احمدی، ۱۳۹۶). طلاق از یک سو سبب بالا رفتن استعداد ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانشناختی و ریسک مرگ زود هنگام (زیمر^۵، ۲۰۱۰) و از سوی دیگر باعث تاثیر منفی بر کیفیت زندگی و عملکرد هر یک از زوجین و فرزندان احتمالی (اسمیت-گرینوی و کلارک^۶، ۲۰۱۷) می‌شود. وضعیت خانواده، چگونگی روابط بین اعضای خانواده و انحلال و فروپاشی آن از یکسو بازتاب شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و خانواده به‌عنوان یکی از اجزای نظام اجتماعی و دارا بودن ویژگی‌های یک نهاد اجتماعی از تاثیرپذیری متقابل برخوردار است و از سوی دیگر معلول عوامل درونی در خانواده و کیفیت و چگونگی آن می‌باشد (پوپووا و ناویکی^۷، ۲۰۱۹).

امروزه طلاق مهم‌ترین تهدید علیه بنیان خانواده است و شناخت عوامل موثر و متاثر از آن از اولویت‌های بهداشت روان به شمار می‌آید. بهداشت روانی جامعه در گرو تأمین بهداشت روانی خانواده است. پژوهش درباره طلاق می‌تواند با کشف و تعمیق شناخت پدیده مورد بحث زمینه شناخت علمی و گسترده آن را فراهم کند و به ارتقای فرهنگ جامعه در زمینه فرهنگ زناشویی و همچنین برای تدوین برنامه‌های اجتماعی مناسب در جهت سالم‌سازی کانون خانواده و جلوگیری از پیامدها و آثار زیان‌بار طلاق یاری رساند (مشکی، شاه قاسمی، دلشاد نوقابی و مسلم، ۱۳۹۰). تحولات اجتماعی و فرهنگی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام‌های خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی مواجه کرده و طی همین مدت خانواده به شکلی فزاینده به علل و عوامل متعدد و پیچیده‌ای

۱. DeLongis & Zwicker

۲. Anderberg, Rainer & Roeder

۳. Tobol & Yaniv

۴. Bulanda, Brown & Yamashita

۵. Zimmer

۶. Smith-Greenaway & Clark

۷. Popova & Navicke

در معرض تهدید قرار گرفته است (لوپیسینی و سله^۱، ۲۰۱۷).

با اینکه ازدواج زمینه را برای پیوند و اتصال نسل‌های متوالی فراهم آورده و موجب تثبیت و انتقال فرهنگ جامعه از نسل گذشته به نسل جدید می‌شود، اما خانواده‌ها همواره قادر نیستند تا کنش‌های متقابل اجتماعی اعضایشان را به صورت پیوسته به سمت هدفی خاص هدایت نموده و انسجام گروهی خانواده را حفظ نمایند. در این وضعیت اختلافات خانوادگی می‌تواند به گسست پیوند ازدواج و وقوع طلاق منجر شود (قلی‌زاده، بانکی پورفرد و مسعودی‌نیا، ۱۳۹۴). در طی قرن اخیر به دنبال افزایش جمعیت و تغییر در نظام اجتماعی و فرهنگی در بسیاری از نقاط جهان به‌ویژه جوامع در حال صنعتی شدن، میزان طلاق روندی افزایش به خود گرفته است (دیویلد و استیئر^۲، ۲۰۱۴). طلاق در فرهنگ ایران و تقریباً در همه فرهنگ‌ها مذموم بوده و فرایندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با سعی در حل تعارضات زناشویی از طریق جدایی یا ورود به موقعیتی جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت پایان می‌یابد (توکلی‌زاده راور، دهقانی، نجابتیان و سهیلی، ۱۳۹۴). عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روانی از جمله مهم‌ترین عوامل موثر بر افزایش طلاق هستند. در این میان به نظر می‌رسد که عوامل اجتماعی و فرهنگی به دلیل اهمیت نقش جامعه و فرهنگ در طرز تفکر، شیوه رفتار و سبک زندگی افراد جامعه نقشی اصلی، اساسی و ریشه‌ای در بروز طلاق داشته باشد (کالمیجن و آنک^۳، ۲۰۰۷).

با اینکه در کشور ایران پژوهش‌هایی درباره بررسی عوامل و شرایط اجتماعی و فرهنگی در بروز طلاق پرداختند و یک پژوهش درباره ساخت آزمون طلاق عاطفی یافت شد، اما هیچ پژوهش با هدف ساخت پرسشنامه زمینه‌های طلاق انجام نشده است. برای مثال محمدی، جوکار کمال‌آبادی و گلستانه (۱۳۹۶) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که طلاق عاطفی دارای ۹ عامل انتقاد و سرزنش، سکوت و جبهه‌گیری، عدم واکنش عاطفی، عدم آمیزش عاطفی، مشکلات قدرت و منابع، نبود افسردگی و سرخوردگی، زاویه سوم، محدود کردن و مشکلات جنسی بود. نتایج پژوهش اخوی ثمرین و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که عدم عشق و صمیمیت مقوله مرکزی، عدم آمادگی برای ازدواج و طی نکردن درست فرایند ازدواج جزء شرایط علی برای ازدواج‌های در حال فروپاشی است. در پژوهشی دیگر قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) گزارش کردند که عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق شامل چهار دسته عوامل عدم پایبندی به ارزش‌های مذهبی و اخلاقی، عدم پایبندی به ارزش‌های اجتماعی، ناهنجاری‌های فرد و خانواده و تفاوت در خرده فرهنگ‌ها بودند. همچنین عابدی‌نیا، بوالهروی و نقی‌زاده (۱۳۹۴) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که عوامل اقتصادی، روانی، فرهنگی-اجتماعی، مشکلات جنسی، جسمی، اعتیاد، خشونت و ازدواج مجدد دلایل تقاضای طلاق بودند. در پژوهشی دیگر آزادی، سهامی، قهرمانی و قلی‌پور (۱۳۸۹) گزارش کردند که عوامل اجتماعی زمینه‌ساز طلاق پوشش و ظاهر ناآراسته همسر، عدم رضایت جنسی و رسیدگی بیش از حد همسر به فرزند بودند و عوامل عدم پایبندی به ارزش‌های دینی، عدم بهداشت فردی و میزان ساعات کاری نقش موثری در عوامل اجتماعی زمینه‌ساز طلاق نداشتند.

یکی از خلأهای اساسی عدم وجود ابزاری بومی برای شناسایی زمینه‌های طلاق بود. شاید وجود چنین ابزاری بتواند به متخصصان و روانشناسان خانواده در کاهش میزان طلاق با توجه به بافت

۱. Luppincini & Saleh

۲. Dewilde & Stier

۳. Kalmijn & Uunk

اجتماعی و فرهنگی کشور کمک کند. همچنین از آنجا که آسیب‌های پس از اجرای طلاق نیز جامعه را از لحاظ فردی، اجتماعی و فرهنگی با مشکلات متعدد روبرو می‌سازد که حل نمودن هر یک از آنها آسان‌تر از حل معضل طلاق نیست، لذا به‌طور جدی با انجام پژوهش‌های جامع پیرامون عوامل اجتماعی و فرهنگی و ساخت ابزاری مناسب در این زمینه به حل این معضل اساسی پرداخته شود. با توجه به این مهم و نبود ابزاری برای بررسی زمینه‌های طلاق با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران، مطالعه حاضر با هدف ساخت و ارزیابی پرسشنامه زمینه‌های طلاق با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران انجام شد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر ترکیبی (کیفی و کمی) از نوع اکتشافی با رویکرد آزمون‌سازی بود. در این پژوهش از راهبرد اکتشافی متوالی استفاده می‌شود که با گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی در مرحله اول و گردآوری و تحلیل داده‌های کمی در مرحله دوم که بر اساس نتایج کیفی مرحله اول بنا نهاده می‌شود، مشخص می‌گردد.

جامعه پژوهش در بخش کیفی شامل همه افراد مطلقه در سه سال گذشته و در بخش کمی شامل همه افراد متأهل شهر تهران (۲۲ منطقه) در سال ۱۳۹۷ بودند. نمونه پژوهش در بخش کیفی ۱۵ فرد مطلقه بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اصل اشباع نظری انتخاب و در بخش کمی ۵۶۰ فرد متأهل بودند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی به این صورت بود که پژوهشگر بر اساس شناختی که از زنان و مردان مطلقه داشت تعداد ۱۵ نفر را بر اساس اصل اشباع نظری انتخاب کرد. در این روش نمونه‌گیری تا زمانی ادامه می‌یابد که دسته‌بندی مفاهیم کامل و ارتباط بین دسته‌ها به خوبی معین شود و کدهای جدیدی استخراج نگردد. همچنین روش نمونه‌گیری در بخش کمی به این صورت بود که از میان مناطق مختلف تهران تعداد دو منطقه یعنی مناطق ۳ و ۷ انتخاب و از میان مناطق منتخب تعدادی خیابان اصلی و تعدادی خیابان فرعی به روش تصادفی انتخاب و همه افراد متأهل به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

جهت تعیین عوامل موثر در طلاق در ساختار اجتماعی ایران با افراد مطلقه مصاحبه شد و سپس برای هر عامل چند گویه تدوین شد که به سبک لیکرت پنج درجه‌ای نمره‌گذاری شدند و ابزار تهیه شده جهت روایی صوری و محتوایی به ۱۰ متخصص نشان داده شد و بعد از بررسی‌ها تعداد گویه‌های نامناسب حذف شد و به صورت مقدماتی یا به اصطلاح پایلوت بر روی ۳۰ نفر اجرا و تعداد ۳ گویه حذف شد و پرسشنامه نهایی بر روی ۵۶۰ نفر اجرا شد. در این پژوهش از آزمون‌های KMO و بارتلت استفاده و برای سنجش روایی از روایی سازه با روش تحلیل عاملی و برای پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. همچنین به منظور استخراج عوامل از تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مولفه‌های اصلی استفاده شد و عوامل تشکیل دهنده و بار عاملی آنها مشخص شد.

یافته‌های پژوهش

بعد از انجام کدگذاری به روش اشتراس و کوربین مولفه‌های بدست آمده در دو سطح قبل و بعد از ازدواج طبقه‌بندی شدند. در بعد از ازدواج ابعاد فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی و در قبل از ازدواج ابعاد سن و عوامل روانشناختی مطرح شدند. در مجموع از ۱۵ مصاحبه ۶۲۰ کد استخراج شد که ۵۵۳ کد مربوط به بعد از ازدواج و ۶۷ کد مربوط به قبل از ازدواج بود. سپس برای هر مولفه چند

گویه تدوین روایی آن توسط ۱۰ متخصص بررسی شد. بعد از تحلیل گویه‌ها و حذف موارد نامناسب و اجرای آن بر روی ۳۰ نفر به صورت پایلوت و حذف ۳ گویه، پرسشنامه نهایی بر روی ۵۶۰ نفر اجرا شد که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آنها در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها

جنسیت	فراوانی	نوع ازدواج	درصد فراوانی	تحصیلات	درصد فراوانی
زن	۳۴۰	سنتی	۴۶/۴	سیکل	۹/۳
		مدرن-دوستانه	۲۴/۲	دیپلم	۱۵/۴
		مدرن-عاشقانه	۲۶/۱	کارشناسی	۳۶/۷
		اجباری	۳/۳	بالتر از کارشناسی	۳۸/۶
مرد	۲۲۰	سنتی	۳۸/۲	سیکل	۹/۴
		مدرن-دوستانه	۲۳/۵	دیپلم	۲۰/۱
		مدرن-عاشقانه	۳۵/۳	کارشناسی	۴۰/۶
		اجباری	۳	بالتر از کارشناسی	۲۹/۹

طبق نتایج جدول ۱، ۳۴۰ زن و ۲۲۰ مرد در پژوهش شرکت داشتند؛ به طوری که در میان زنان و مردان بیشتر ازدواج‌ها از نوع سنتی و تحصیلات بیشتر زنان بالاتر از کارشناسی و تحصیلات بیشتر مردان کارشناسی بود. برای انجام تحلیل عاملی نتایج آزمون‌های KMO و بارتلت در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون‌های KMO و بارتلت

شاخص‌ها	مقدار
آزمون KMO	۰/۸۶۹
آزمون بارتلت	۳۰۵۵۲/۴۶۳
درجه آزادی	۱۰۰۱۱
معناداری	۰/۰۰۱

طبق نتایج جدول ۲، مقدار آماره آزمون KMO برابر با ۰/۸۶۹ و مقدار آماره آزمون بارتلت برابر با ۳۰۵۵۲/۴۶۳ است که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار می‌باشند، لذا داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. نتایج تحلیل عاملی برای شناسایی سهم عامل‌ها در تبیین واریانس هر گویه در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی برای شناسایی سهم عامل‌ها در تبیین واریانس هر گویه

مقدار	گویه‌ها	مقدار	گویه‌ها	مقدار	گویه‌ها	مقدار	گویه‌ها	مقدار	گویه‌ها	مقدار	گویه‌ها
۰/۸۱۱	گویه ۱۲۱	۰/۷۵۱	گویه ۹۷	۰/۷۵۸	گویه ۷۳	۰/۷۴۸	گویه ۴۹	۰/۷۲۸	گویه ۲۵	۰/۷۶۸	گویه ۱
۰/۷۷۸	گویه ۱۲۲	۰/۷۱۹	گویه ۹۸	۰/۷۳۶	گویه ۷۴	۰/۸۱۲	گویه ۵۰	۰/۷۳۱	گویه ۲۶	۰/۷۴۰	گویه ۲
۰/۷۷۳	گویه ۱۲۳	۰/۷۴۱	گویه ۹۹	۰/۷۲۵	گویه ۷۵	۰/۷۶۳	گویه ۵۱	۰/۷۶۳	گویه ۲۷	۰/۷۰۶	گویه ۳
۰/۷۳۸	گویه ۱۲۴	۰/۷۳۸	گویه ۱۰۰	۰/۸۳۹	گویه ۷۶	۰/۸۰۹	گویه ۵۲	۰/۸۰۶	گویه ۲۸	۰/۷۶۴	گویه ۴
۰/۷۸۰	گویه ۱۲۵	۰/۷۵۱	گویه ۱۰۱	۰/۷۹۸	گویه ۷۷	۰/۷۴۸	گویه ۵۳	۰/۷۶۰	گویه ۲۹	۰/۷۲۸	گویه ۵
۰/۷۴۴	گویه ۱۲۶	۰/۷۷۳	گویه ۱۰۲	۰/۷۸۹	گویه ۷۸	۰/۷۴۰	گویه ۵۴	۰/۷۶۶	گویه ۳۰	۰/۸۰۸	گویه ۶
۰/۷۷۴	گویه ۱۲۷	۰/۷۷۱	گویه ۱۰۳	۰/۸۰۲	گویه ۷۹	۰/۶۵۲	گویه ۵۵	۰/۷۰۲	گویه ۳۱	۰/۶۳۱	گویه ۷
۰/۷۷۲	گویه ۱۲۸	۰/۷۵۲	گویه ۱۰۴	۰/۷۴۹	گویه ۸۰	۰/۷۴۰	گویه ۵۶	۰/۷۶۲	گویه ۳۲	۰/۸۵۴	گویه ۸
۰/۸۰۹	گویه ۱۲۹	۰/۷۳۲	گویه ۱۰۵	۰/۶۹۱	گویه ۸۱	۰/۷۱۶	گویه ۵۷	۰/۷۳۵	گویه ۳۳	۰/۸۳۴	گویه ۹
۰/۷۷۳	گویه ۱۳۰	۰/۷۵۲	گویه ۱۰۶	۰/۷۳۰	گویه ۸۲	۰/۷۸۱	گویه ۵۸	۰/۷۳۴	گویه ۳۴	۰/۷۰۶	گویه ۱۰
۰/۷۶۵	گویه ۱۳۱	۰/۸۲۰	گویه ۱۰۷	۰/۸۲۰	گویه ۸۳	۰/۷۴۹	گویه ۵۹	۰/۷۱۷	گویه ۳۵	۰/۷۵۰	گویه ۱۱
۰/۸۲۶	گویه ۱۳۲	۰/۸۰۰	گویه ۱۰۸	۰/۷۱۳	گویه ۸۴	۰/۷۶۲	گویه ۶۰	۰/۷۷۲	گویه ۳۶	۰/۷۰۳	گویه ۱۲
۰/۸۳۰	گویه ۱۳۳	۰/۸۲۶	گویه ۱۰۹	۰/۷۸۳	گویه ۸۵	۰/۷۴۲	گویه ۶۱	۰/۷۷۰	گویه ۳۷	۰/۶۸۵	گویه ۱۳
۰/۸۱۲	گویه ۱۳۴	۰/۸۳۶	گویه ۱۱۰	۰/۷۵۸	گویه ۸۶	۰/۷۸۸	گویه ۶۲	۰/۸۰۱	گویه ۳۸	۰/۷۹۸	گویه ۱۴
۰/۸۱۰	گویه ۱۳۵	۰/۷۷۲	گویه ۱۱۱	۰/۷۳۹	گویه ۸۷	۰/۷۵۷	گویه ۶۳	۰/۷۵۵	گویه ۳۹	۰/۷۵۸	گویه ۱۵
۰/۷۱۵	گویه ۱۳۶	۰/۷۶۳	گویه ۱۱۲	۰/۷۵۱	گویه ۸۸	۰/۷۹۳	گویه ۶۴	۰/۶۹۱	گویه ۴۰	۰/۶۶۶	گویه ۱۶
۰/۷۱۳	گویه ۱۳۷	۰/۷۶۸	گویه ۱۱۳	۰/۷۳۰	گویه ۸۹	۰/۷۸۲	گویه ۶۵	۰/۷۲۰	گویه ۴۱	۰/۷۱۵	گویه ۱۷
۰/۷۶۴	گویه ۱۳۸	۰/۷۴۶	گویه ۱۱۴	۰/۸۴۹	گویه ۹۰	۰/۷۲۱	گویه ۶۶	۰/۶۹۱	گویه ۴۲	۰/۸۴۳	گویه ۱۸
۰/۸۰۷	گویه ۱۳۹	۰/۸۲۰	گویه ۱۱۵	۰/۷۵۶	گویه ۹۱	۰/۷۱۷	گویه ۶۷	۰/۷۵۸	گویه ۴۳	۰/۸۴۵	گویه ۱۹
۰/۷۶۷	گویه ۱۴۰	۰/۷۲۹	گویه ۱۱۶	۰/۶۷۲	گویه ۹۲	۰/۷۳۴	گویه ۶۸	۰/۷۶۶	گویه ۴۴	۰/۷۶۴	گویه ۲۰
۰/۶۸۱	گویه ۱۴۱	۰/۷۵۹	گویه ۱۱۷	۰/۷۳۴	گویه ۹۳	۰/۷۸۶	گویه ۶۹	۰/۷۳۷	گویه ۴۵	۰/۶۹۵	گویه ۲۱
۰/۷۴۷	گویه ۱۴۲	۰/۷۳۲	گویه ۱۱۸	۰/۷۳۷	گویه ۹۴	۰/۸۱۵	گویه ۷۰	۰/۷۶۹	گویه ۴۶	۰/۷۹۰	گویه ۲۲
		۰/۷۵۴	گویه ۱۱۹	۰/۷۳۳	گویه ۹۵	۰/۷۲۱	گویه ۷۱	۰/۷۷۶	گویه ۴۷	۰/۷۰۴	گویه ۲۳
		۰/۷۳۰	گویه ۱۲۰	۰/۷۷۰	گویه ۹۶	۰/۷۲۹	گویه ۷۲	۰/۷۹۷	گویه ۴۸	۰/۷۴۵	گویه ۲۴

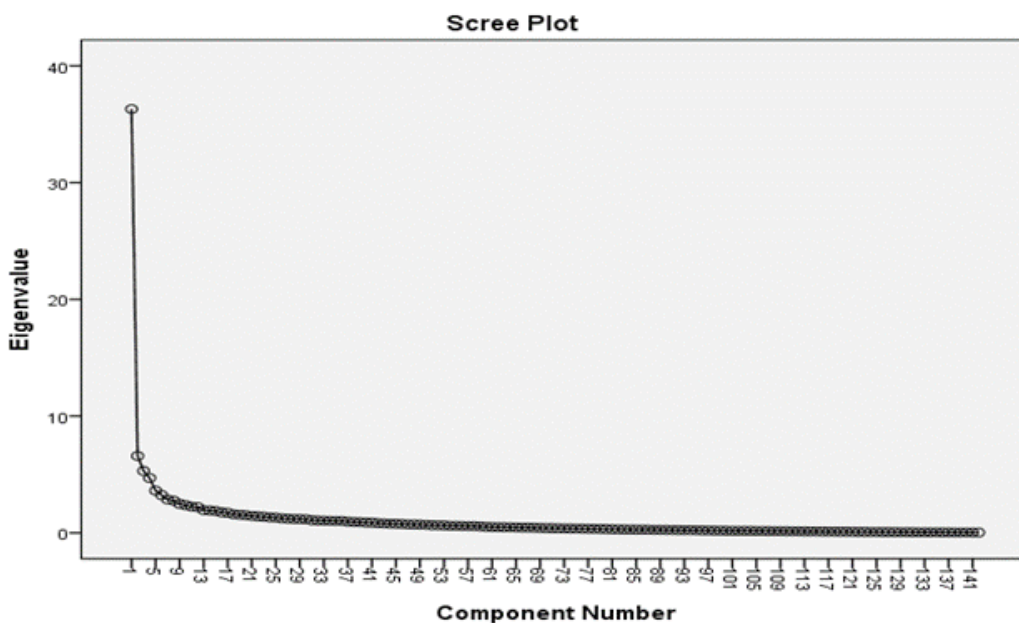
طبق نتایج جدول ۳ و با توجه به آنکه مقدار بار عاملی هیچ یک از گویه‌ها زیر ۰/۵ نبود، لذا همه آنها وارد تحلیل عاملی شدند. گام بعدی در تحلیل عاملی این است که هر عامل توانسته چند درصد از واریانس همه گویه‌ها را تبیین کند، لذا نتایج کل واریانس تبیین شده در ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج شناخت سهم هر عامل در تبیین واریانس همه گویه‌ها

مجموع مجذورات بارهای عاملی استخراج‌شده			مقادیر ویژه اولیه		عامل‌ها	
درصد تجمعی	درصد واریانس	مجموع	درصد تجمعی	درصد واریانس	مجموع	
۲۵/۵۶	۲۵/۵۶	۳۶/۳۰	۲۵/۵۶	۲۵/۵۶	۳۶/۳۰	۱
۳۰/۲۰	۴/۶۳	۶/۵۸	۳۰/۲۰	۴/۶۳	۶/۵۸	۲
۳۳/۹۳	۳/۷۳	۵/۳۰	۳۳/۹۳	۳/۷۳	۵/۳۰	۳
۳۷/۲۴	۳/۳۱	۴/۷۰	۳۷/۲۴	۳/۳۱	۴/۷۰	۴
۳۹/۷۹	۲/۵۴	۳/۶۱	۳۹/۷۹	۲/۵۴	۳/۶۱	۵
۴۲/۰۷	۲/۲۸	۳/۲۳	۴۲/۰۷	۲/۲۸	۳/۲۳	۶
۴۴/۰۸	۲/۰۱	۲/۸۵	۴۴/۰۸	۲/۰۱	۲/۸۵	۷
۴۶/۰۲	۱/۹۴	۲/۷۶	۴۶/۰۲	۱/۹۴	۲/۷۶	۸
۴۷/۷۷	۱/۷۴	۲/۴۷	۴۷/۷۷	۱/۷۴	۲/۴۷	۹
۴۹/۴۴	۱/۶۶	۲/۳۶	۴۹/۴۴	۱/۶۶	۲/۳۶	۱۰
۵۱/۰۲	۱/۵۸	۲/۲۴	۵۱/۰۲	۱/۵۸	۲/۲۴	۱۱
۵۲/۵۷	۱/۵۵	۲/۲۰	۵۲/۵۷	۱/۵۵	۲/۲۰	۱۲
۵۳/۹۴	۱/۳۶	۱/۹۴	۵۳/۹۴	۱/۳۶	۱/۹۴	۱۳
۵۵/۲۸	۱/۳۴	۱/۹۰	۵۵/۲۸	۱/۳۴	۱/۹۰	۱۴
۵۶/۶۰	۱/۳۱	۱/۸۷	۵۶/۶۰	۱/۳۱	۱/۸۷	۱۵
۵۷/۸۴	۱/۲۳	۱/۷۵	۵۷/۸۴	۱/۲۳	۱/۷۵	۱۶
۵۹/۰۵	۱/۲۰	۱/۷۱	۵۹/۰۵	۱/۲۰	۱/۷۱	۱۷
۶۰/۱۶	۱/۱۱	۱/۵۸	۶۰/۱۶	۱/۱۱	۱/۵۸	۱۸
۶۱/۲۴	۱/۰۸	۱/۵۳	۶۱/۲۴	۱/۰۸	۱/۵۳	۱۹
۲۶/۳۱	۱/۰۶	۱/۵۱	۲۶/۳۱	۱/۰۶	۱/۵۱	۲۰
۶۳/۳۳	۱/۰۲	۱/۴۴	۶۳/۳۳	۱/۰۲	۱/۴۴	۲۱
۶۶/۲۳	-/۹۲	۱/۳۱	۶۴/۳۲	-/۹۹	۱/۴۱	۲۲
۶۵/۳۰	-/۹۷	۱/۳۸	۶۵/۳۰	-/۹۷	۱/۳۸	۲۳
۶۶/۲۳	-/۹۲	۱/۳۱	۶۶/۲۳	-/۹۲	۱/۳۱	۲۴
۶۷/۱۵	-/۹۱	۱/۳۰	۶۷/۱۵	-/۹۱	۱/۳۰	۲۵
۶۸/۰۲	-/۸۷	۱/۲۴	۶۸/۰۲	-/۸۷	۱/۲۴	۲۶
۶۸/۸۸	-/۸۵	۱/۲۱	۶۸/۸۸	-/۸۵	۱/۲۱	۲۷
۶۹/۷۱	-/۸۳۶	۱/۱۸	۶۹/۷۱	-/۸۳۶	۱/۱۸	۲۸
۷۰/۵۵	-/۸۳۲	۱/۱۸	۷۰/۵۵	-/۸۳	۱/۱۸	۲۹

۷۱/۳۷	۰/۸۲	۱/۱۶	۷۱/۳۷	۰/۸۲	۱/۱۶	۳۰
۷۲/۱۳	۰/۷۶	۱/۰۸	۷۲/۱۳	۰/۷۶	۱/۰۸	۳۱
۷۲/۸۷	۰/۷۴	۱/۰۵	۷۲/۸۷	۰/۷۴	۱/۰۵	۳۲
۷۳/۶۱	۰/۷۳	۱/۰۴	۷۳/۶۱	۰/۷۳	۱/۰۴	۳۳
۷۴/۳۳	۰/۷۲	۱/۰۳	۷۴/۳۳	۰/۷۲	۱/۰۳	۳۴
۷۵/۰۵	۰/۷۱	۱/۰۲	۷۵/۰۵	۰/۷۱	۱/۰۲	۳۵
۷۵/۷۷	۰/۷۱	۱/۰۱	۷۵/۷۷	۰/۷۱	۱/۰۱	۳۶

طبق نتایج جدول ۴ و بر اساس معیار کیزر از میان ۱۴۲ گویه تعداد ۳۶ عامل دارای مقدار ویژه بالای یک هستند و می توان ۳۶ عامل ساخت. عامل یک بیشترین سهم (۲۵/۵۶ درصد با مقدار ویژه ۳۶/۳۰) و عامل سی و شش کمترین سهم (۰/۷۱ درصد با مقدار ویژه ۱/۰۱) را در تبیین واریانس همه گویهها داشتند. در مجموع ۳۶ عامل توانستند ۷۵/۷۷ درصد واریانس کل را تبیین کنند. البته به دلیل بررسی همپوشی عاملها از نمودار سنگریزه بر اساس معیار کیزر استفاده شده که در زیر قابل مشاهده است.



نمودار ۱: نمودار سنگریزه بر اساس معیار کیزر

طبق نتایج نمودار ۱، یک عامل گسترده و چهار عامل دیگر وجود دارد. نتایج همبستگی گویهها و عاملها در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. نتایج همبستگی گویه‌ها و عامل‌ها

گویه‌ها	عامل ۱	گویه‌ها	عامل ۱	گویه‌ها	عامل ۱	گویه‌ها	عامل ۱	گویه‌ها	عامل ۱	گویه‌ها	عامل ۱	گویه‌ها	عامل ۱
۱	۰/۴۱۳	۲۴	۰/۵۰۷	۴۳	۰/۷۰۹	۶۶	۰/۵۲۵	۸۶	۰/۴۵۱	۱۰۶	۰/۷۴۹	۱۲۹	۰/۵۶۰
۳	۰/۴۱۸	۲۵	۰/۴۴۸	۴۴	۰/۷۱۸	۶۷	۰/۵۵۰	۸۷	۰/۵۷۲	۱۰۷	۰/۴۱۰	۱۳۰	۰/۵۵۹
۵	۰/۳۵۴	۲۶	۰/۶۲۴	۴۵	۰/۶۰۱	۶۸	۰/۷۵۴	۸۸	۰/۳۷۴	۱۰۸	۰/۴۴۸	۱۳۱	۰/۵۰۸
۶	۰/۳۲۷	۲۷	۰/۵۱۴	۴۶	۰/۶۶۷	۶۹	۰/۷۷۴	۸۹	۰/۵۱۴	۱۰۹	۰/۵۳۳	۱۳۳	۰/۳۰۳
۷	۰/۴۳۶	۲۸	۰/۴۷۲	۴۷	۰/۶۴۲	۷۰	۰/۵۷۴	۹۲	۰/۴۴۸	۱۱۰	۰/۷۱۱	۱۳۴	۰/۳۱۶
۱۰	۰/۳۲۹	۲۹	۰/۴۵۷	۴۸	۰/۷۴۹	۷۲	۰/۵۷۰	۹۳	۰/۶۴۸	۱۱۱	۰/۶۷۷	۱۳۶	۰/۴۹۱
۱۱	۰/۴۷۹	۳۰	۰/۴۷۶	۴۹	۰/۴۵۹	۷۳	۰/۵۴۸	۹۴	۰/۶۸۳	۱۱۲	۰/۶۴۶	۱۳۷	۰/۵۲۶
۱۳	-۰/۳۲۹	۳۱	۰/۴۹۱	۵۰	۰/۷۹۴	۷۴	۰/۵۲۶	۹۵	۰/۶۳۴	۱۱۳	۰/۷۶۰	۱۳۸	۰/۵۸۸
۱۴	۰/۶۰۴	۳۲	۰/۵۱۱	۵۱	۰/۷۱۵	۷۵	۰/۵۹۴	۹۶	۰/۶۸۰	۱۱۴	۰/۷۲۹	۱۳۹	۰/۶۲۹
۱۵	۰/۴۵۲	۳۳	۰/۴۵۶	۵۲	۰/۶۴۷	۷۷	۰/۶۶۰	۹۷	۰/۴۲۶	۱۱۵	۰/۷۵۱	۱۴۰	۰/۵۵۲
۱۶	۰/۴۲۴	۳۴	۰/۵۳۴	۵۳	۰/۳۶۳	۷۸	۰/۶۰۲	۹۸	۰/۶۷۶	۱۱۶	-۰/۳۱۳	۱۴۱	۰/۵۱۶
۱۸	۰/۶۱۸	۳۵	۰/۳۶۹	۵۴	۰/۴۶۹	۷۹	۰/۵۷۹	۹۹	۰/۷۱۵	۱۱۷	۰/۴۸۰	۱۴۲	۰/۵۶۵
۱۹	۰/۶۱۳	۳۶	۰/۳۰۱	۵۵	-۰/۵۰	۸۰	۰/۶۱۰	۱۰۰	۰/۳۵۹	۱۱۸	۰/۴۵۴		
۲۰	۰/۵۲۱	۳۷	۰/۳۷۶	۵۷	۰/۶۷۲	۸۱	۰/۳۷۹	۱۰۱	۰/۷۲۲	۱۱۹	۰/۴۴۰		
۲۱	۰/۴۱۸	۳۸	۰/۳۲۶	۵۸	۰/۷۳۰	۸۲	۰/۵۳۹	۱۰۲	۰/۷۵۳	۱۲۶	۰/۳۱۴		
۲۲	۰/۶۰۹	۴۰	۰/۶۱۹	۶۳	۰/۶۶۰	۸۳	۰/۴۱۰	۱۰۳	۰/۷۵۰	۱۲۷	۰/۴۲۷		
۲۳	۰/۴۴۳	۴۱	۰/۴۴۵	۶۵	۰/۵۲۸	۸۵	۰/۳۴۴	۱۰۵	۰/۵۵۵	۱۲۸	۰/۴۰۴		
گویه‌ها	عامل ۲	گویه‌ها	عامل ۲	گویه‌ها	عامل ۳	گویه‌ها	عامل ۳	گویه‌ها	عامل ۴	گویه‌ها	عامل ۴	گویه‌ها	عامل ۵
۱۰	-۰/۴۹۴	۷۱	۰/۳۰۵	۸	-۰/۴۲۲	۱۱۵	۰/۳۰۱	۴۹	۰/۴۷۷	۱۲۳	۰/۴۰۵	۱۵	۰/۳۹
۱۱	-۰/۴۶۲	۷۴	۰/۳۰۲	۹	-۰/۴۳۱	۱۲۰	۰/۵۷۶	۱۰۴	۰/۴۴۷	۱۲۴	۰/۳۴۱	۳۷	۰/۴۲۲
۱۸	-۰/۳۳۴	۹۱	۰/۳۸۳	۱۲	-۰/۳۱۸	۱۲۱	۰/۵۶۸	۱۰۵	۰/۴۰۸	۱۲۵	۰/۵۶۱	۳۹	۰/۴۰۳
۱۹	-۰/۳۷۸	۱۲۴	۰/۳۲۱	۳۵	-۰/۳۴۲	۱۲۵	۰/۴۳۶	۱۰۷	۰/۳۶۷	۱۳۰	-۰/۳۷۱	۴۱	۰/۳۲۲
۲۲	۰/۴۰۷	۱۳۲	۰/۵۳۷	۳۶	-۰/۳۷۹			۱۰۸	۰/۳۸۱			۴۵	-۰/۳۰۵
۵۹	۰/۴۹۸	۱۳۳	۰/۵۲۳	۵۲	۰/۳۳۷			۱۰۹	۰/۳۹۷			۱۳۰	-۰/۳۱۹
۶۰	۰/۴۹۳	۱۳۴	۰/۴۹۳	۵۹	۰/۳۴۰			۱۱۶	-۰/۳۳۲			۱۳۱	-۰/۳۴۷
۶۱	۰/۴۶۵	۱۳۶	۰/۳۰۱	۶۴	۰/۵۲۴			۱۱۷	۰/۳۸۶			۱۳۲	-۰/۴۱۰
۶۲	۰/۴۰۴	۱۳۷	۰/۳۲۱	۷۱	۰/۵۲۳			۱۱۸	۰/۵۴۱			۱۳۳	-۰/۳۱۶
۷۰	۰/۳۰۶			۸۱	-۰/۳۱			۱۲۱	۰/۳۳۰			۱۳۴	-۰/۳۹۳

طبق نتایج جدول ۵، عامل اول دارای ۱۱۴ گویه، عامل دوم دارای ۱۹ گویه، عامل سوم دارای ۱۴ گویه، عامل چهارم دارای ۱۴ گویه و عامل پنجم دارای ۱۰ گویه است که به ترتیب می توان عامل ها را عوامل روانشناختی موثر در تعارض، معیار بیرونی، سرگشتگی عاطفی- معیاری، عدم پختگی عاطفی و سبک حل مساله اجتنابی نامید. بر اساس نتایج تعداد ۱۱ گویه یعنی گویه های ۲، ۴، ۱۷، ۴۲، ۵۶، ۵۹، ۷۶، ۸۴، ۹۰، ۱۲۲ و ۱۳۵ به دلیل بار عاملی نامناسب حذف و نسخه نهایی ۱۳۱ گویه و ۵ عامل داشت؛ به طوری که برخی گویه ها در دو عامل قرار داشتند. برای تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ و برای تعیین همسانی درونی از همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۵. نتایج همبستگی بین مولفه های زمینه های طلاق با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران

عاملها	آلفای کرونباخ	۱	۲	۳	۴	۵
۱. عوامل روانشناختی تعارض	۰/۹۷	۱				
۲. معیار بیرونی	۰/۷۲	۰/۷۸۲**	۱			
۳. سرگشتگی عاطفی- معیاری	۰/۷۲	۰/۸۰۷**	۰/۶۷۳**	۱		
۴. عدم پختگی عاطفی	۰/۷۴	۰/۶۵۷**	۰/۵۲۹**	۰/۶۹۹**	۱	
۵. سبک حل مساله اجتنابی	۰/۷۸	۰/۷۶۵**	۰/۷۹۳**	۰/۶۵۰**	۰/۵۰۰**	۱

**P<۰/۰۱

طبق نتایج جدول ۶، میزان آلفای کرونباخ برای مولفه های عوامل روانشناختی موثر در تعارض ۰/۹۷، معیار بیرونی ۰/۷۲، سرگشتگی عاطفی- معیاری ۰/۷۲، عدم پختگی عاطفی ۰/۷۴ و سبک حل مساله اجتنابی ۰/۷۸ و برای کل ابزار ۰/۹۷ محاسبه شد. همچنین بین پنج عامل رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، لذا میزان همسانی درونی برای خرده مقیاس ها و نمره کل این مقیاس می توان بیان کرد که مقیاس از اعتبار کافی برخوردار است.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به عدم وجود ابزاری بومی برای بررسی و شناسایی زمینه های طلاق، مطالعه حاضر با هدف ساخت و ارزیابی پرسشنامه زمینه های طلاق با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران انجام شد. یافته های پژوهش حاضر نشان داد که پرسشنامه زمینه های طلاق با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران دارای پنج مولفه عوامل روانشناختی موثر در تعارض (۱۱۴ گویه)، معیار بیرونی (۱۹ گویه)، سرگشتگی عاطفی- معیاری (۱۴ گویه)، عدم پختگی عاطفی (۱۴ گویه) و سبک حل مساله اجتنابی (۱۰ گویه) بود که روایی صوری و محتوایی آن با نظر متخصصان، روایی سازه آن با روش تحلیل عاملی اکتشافی، همسانی درونی آن از طریق همبستگی بین مولفه ها و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ تایید شد. همچنین بار عاملی پنج مولفه مذکور به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۶، ۰/۷۱، ۰/۶۹ و ۰/۶۳ است در مجموع مولفه ها با هم توانستند ۷۵/۷۷ درصد از کل واریانس زمینه های طلاق را با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران تبیین کنند. با اینکه در ایران پرسشنامه ای درباره زمینه های طلاق ساخته نشده، اما یک پژوهش با هدف پرسشنامه طلاق عاطفی انجام شد. در پژوهش مذکور محمدی و همکاران (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیدند که طلاق عاطفی دارای ۹ عامل انتقاد و سرزنش، سکوت

و جبهه‌گیری، عدم واکنش عاطفی، عدم آمیزش عاطفی، مشکلات قدرت و منابع، نبود افسردگی و سرخوردگی، زاویه سوم، محدود کردن و مشکلات جنسی بود. پژوهش‌های دیگری نیز با هدف شناسایی عوامل یا مولفه‌های موثر بر طلاق با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران پرداختند که می‌توان به اخوی ثمرین و همکاران (۱۳۹۶)، قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، عابدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) و آزادی و همکاران (۱۳۸۹) اشاره کرد. نتایج پژوهش اخوی ثمرین و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که اعتیاد، ساختار نامناسب خانواده کنونی، عدم سازگاری زناشویی، عوامل و مشکلات جنسی، ارتباط نامناسب با خانواده‌های اصلی، پیشینه خانوادگی و مشکلات شخصیتی از جمله عوامل زمینه‌ای موثر در طلاق بودند. در پژوهشی دیگر قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) گزارش کردند که تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق شامل چهار دسته عوامل عدم پایبندی به ارزش‌های مذهبی و اخلاقی، عدم پایبندی به ارزش‌های اجتماعی، ناهنجاری‌های فرد و خانواده و تفاوت در خرده فرهنگ‌ها بود. همچنین عابدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که عوامل اقتصادی، روانی، فرهنگی-اجتماعی، مشکلات جنسی، جسمی، اعتیاد، خشونت و ازدواج مجدد دلایل تقاضای طلاق بودند. در پژوهشی دیگر آزادی و همکاران (۱۳۸۹) گزارش کردند که عوامل اجتماعی زمینه‌ساز طلاق پوشش و ظاهر ناآراسته همسر، عدم رضایت جنسی و رسیدگی بیش از حد همسر به فرزند بودند. دلیل نام‌گذاری مولفه اول به عوامل روانشناختی موثر در تعارض این بود که مفاهیم متعددی را در حوزه‌های عوامل شناختی، رفتاری، هیجانی، خانوادگی و غیره نشان می‌داد که در یک تقسیم‌بندی دقیق‌تر می‌توان به عوامل خانواده، عدم آگاهی و آمادگی پیش از ازدواج، عدم رضایت جنسی، عدم همخوانی فردی، اعتیاد به مواد مخدر، شناختی-دانشی، رفتاری، خیانت و عدم تعهد زناشویی، هیجانی-عاطفی، عدم ادراک رفاه اقتصادی و اینترنت و فضای مجازی بود. مولفه دوم معیار بیرونی بود که عدم تناسب در پست، مقام و منزلت اجتماعی و فشار ناشی از آن، عدم توانایی در برآوردن آرزوهای بیرونی یکدیگر (مالی) و تفاوت‌های شغلی علت اصلی نام‌گذاری این مولفه بود. به عبارت دیگر این مولفه اشاره به مفهوم ظاهرگرایی دارد که طبیعتاً حاصل گرایش بیشتر به سمت دنیای بیرون است و از دو جهت مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی زناشویی زوجین می‌تواند تاثیر بگذارد. از آنجایی که معمولاً منبع تقویت بیرونی در مقایسه با منبع تقویت درونی فعال‌تر است و عامل ثبات در زندگی زناشویی که حاصل مشخص نمودن مسیر زندگی می‌باشد کاهش می‌یابد که پیامد آن ایجاد حس عدم امنیت در زندگی است که خود باعث کاهش رضایت زناشویی می‌شود. از سوی دیگر تاییدطلبی و انگیزه‌های بیرونی فشار زیادی را بر خانواده برای تامین نظرات و گرفتن تایید دیگران وارد می‌کند که باعث کاهش کیفیت و رضایت از زندگی زناشویی می‌شود. مولفه سوم سرگشتگی عاطفی-معیاری بود که علت نام‌گذاری این است که یکی یا هر دو زوجین قبل از آشنایی با همسر فعلی خود در روابط عاشقانه خود شکست خورده یا فرد دیگر را عمیقاً دوست داشتند و یا اینکه نقش‌های خود را به‌عنوان مرد و زن به خوبی انجام نمی‌دهند. در این مولفه یک سرگشتگی عاطفی و نقشی و یا معیاری دیده می‌شود. به عبارت دیگر سرگشتگی عاطفی و نداشتن معیار درستی برای انتخاب، رفتار کردن و نقش‌پذیری در این مولفه به چشم می‌خورد که این سرگشتگی پیش از ازدواج موجب انتخاب‌ها نادرست و بعد از ازدواج موجب عدم رفتار مناسب یا عدم پذیرش نقش جنسیتی می‌شود. مولفه چهارم عدم پختگی عاطفی بود که علت نام‌گذاری این است که زوجین در تصمیم‌گیری‌های خود طرف مقابل را در نظر نمی‌گیرند، بار مسئولیت نقش خود را بر دوش دیگری می‌اندازند، خواسته‌های خود را بر دیگری ترجیح می‌دهند و با دیگران روابط فرازناشویی عاطفی یا جنسی دارند. پختگی توانایی پاسخ دادن به محیط به شیوه مناسب است

که نیازمند جهت‌مداری، هدفمندی و بلوغ فکری است. این توانایی با توجه به موقعیت متفاوت است و مولفه‌های میان‌فردی مانند صمیمیت، ابراز وجود، همدلی، استقلال و تعهدپذیری و پذیرش نقش‌ها و مسئولیت‌ها بیانگر بلوغ یا پختگی می‌باشد. مولفه چهارم تعادل ویژگی‌های مردانه یا زنانه در هر فرد را با توجه به جنسیت مدنظر قرار می‌دهد که یک عامل مهم برای ورود به ازدواج و پذیرش مسئولیت است. از طریق دیگر این مولفه به تعهد و پایبندی زناشویی نیز اشاره دارد که این امر مستلزم مدیریت هیجان‌ها، جهت‌مداری و هدفمندی در زندگی زناشویی می‌باشد که این ویژگی‌ها نیز جزء ویژگی‌های افراد پخته می‌باشند. همچنین توجه به خواسته‌ها و انتظارات طرف مقابل نیز بیانگر پختگی عاطفی است و پختگی و بلوغ عاطفی ضامن وجود دادوستد عاطفی و قابلیت درک احساس دیگری یا همدلی است و فراتر از آن به رسمیت شناختن نیازهای دیگری و پذیرش مسئولیت برای برآوردن نیازهای طرف مقابل می‌باشد. مولفه پنجم سبک حل مساله اجتنابی بود که علت نام‌گذاری این است که یکی یا هر دو زوج برای فرار از مشکلات خانوادگی تن به ازدواج دادند، برای رهایی از تنش مصرف مواد و فقر مالی ازدواج کردند، برای مدت طولانی شغل ثابتی نداشتند و مهارت‌های حل مساله مناسبی ندارند. در این مولفه عامل اجتناب از حل مساله و مقابله با مشکلات اصلی به شدت دیده می‌شود و آیتم فرار و اتخاذ شیوه‌های نامناسب مثل اعتیاد زیاد به چشم می‌خورد.

به طور کلی با توجه به وجود نداشتن پرسشنامه‌ای بومی برای بررسی زمینه‌های طلاق و روایی و پایایی مناسب پرسشنامه زمینه‌های طلاق با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران، امید است که این پرسشنامه مورد عنایت پژوهشگران قرار گیرد و به طور گسترده استفاده شود. بررسی شاخص‌های روانسنجی ابزار مذکور در سایر شهرها می‌تواند نتایج مفیدی در پی داشته باشد و به اصلاح و بهبود پرسشنامه حاضر کمک کند و یا اینکه تاییدی باشد برای مناسب بودن آن. بنابراین، پرسشنامه مذکور می‌تواند در جلسات مشاوره پیش از ازدواج مورد بررسی قرار گیرد و زمینه‌های بروز طلاق در آینده شناسایی و قبل از وقوع آن راهکارهایی را شناسایی و اجرا کرد. با توجه به مطالب مطرح شده و روایی و پایایی مناسب پرسشنامه زمینه‌های طلاق با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران، متخصصان، درمانگران، مشاوران و روانشناسان می‌توانند از آن به‌عنوان ابزاری مفید برای شناسایی عوامل موثر بر طلاق استفاده نمایند.

منابع

- آزادی، شه‌دخت؛ سهامی، سوسن؛ قهرمانی، زهرا و قلی‌پور، گلنار. (۱۳۸۹). ارزیابی عوامل اجتماعی زمینه‌سازی طلاق عاطفی در میان کارکنان زن شرکت بهره‌برداری نفت گچساران. فصلنامه زن و بهداشت، ۳، ۱۰۱-۱۱۷.
- اخوی ثمرین، زهرا؛ زهراکار، کیانوش؛ محسن‌زاده، فرشاد و احمدی، خدابخش. (۱۳۹۶). بررسی عوامل زمینه‌ساز طلاق در بافت اجتماعی فرهنگی شهر تهران، پژوهشی کیفی. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۲(۴۰)، ۱۰۵-۱۲۶.
- توکلی‌زاده راوری، محمد؛ دهقانی، فاطمه؛ نجابتیان، مریم و سهیلی، فرامرز. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای مقالات فارسی نشریات علمی ایران در زمینه ازدواج و طلاق با روش خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۰(۳۲)، ۷-۲۸.
- عابدی‌نیا، نسرین؛ بواله‌ری، جعفر و نقی‌زاده، محمد مهدی. (۱۳۹۴). مقایسه عوامل زمینه‌ساز تقاضای طلاق بر حسب جنسیت. مجله مطالعات روانشناختی، ۱۱(۱)، ۱۴۱-۱۷۷.

- قلی‌زاده، آذر؛ بانکی‌پورفرد، امیرحسین و مسعودی‌نیا، زهرا. (۱۳۹۴). مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق‌گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۵۷)، ۳۹-۶۴.
- مشکی، مهدی؛ شاه‌قاسمی، زهره؛ دلشاد‌نوقایی، علی و مسلم، علیرضا. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۱۳۸۷-۸۸. *فصلنامه افق دانش*، ۱۱۷(۱)، ۳۵-۴۴.
- یزدان‌پناه، فریده؛ جورکش، فاطمه؛ دهقان، عزیزاله و جعفرنژاد، ابوبکر. (۱۳۹۸). بررسی رابطه اشتغال زنان بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در زوجین شهرستان لار؛ ۱۳۹۷. *مجله دانشگاه علوم پزشکی جیرفت*، ۱۶(۱)، ۱۴۵-۱۵۶.
- Anderberg, D., Rainer, H., & Roeder, K. (2018). Family-specific investments and divorce with dynamically inconsistent households: Marital contracts and policy. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 148, 199-225.
- Bulanda, J. R., Brown, J. S., & Yamashita, T. (2016). Marital quality, marital dissolution, and mortality risk during the later life course. *Social Science & Medicine*, 165, 119-127.
- DeLongis, A., & Zwicker, A. (2017). Marital satisfaction and divorce in couples in step-families. *Current Opinion in Psychology*, 13, 158-161.
- Kalmijn, M., & Uunk, W. (2007). Regional value differences in Europe and the social consequences of divorce: A test of the stigmatization hypothesis. *Social Science Research*, 36(2), 447-468.
- Popova, D., & Navicke, J. (2019). The probability of poverty for mothers after childbirth and divorce in Europe: The role of social stratification and tax-benefit policies. *Social Science Research*, 78, 57-70.
- Smith-Greenaway, E., & Clark, S. (2017). Variation in the link between parental divorce and children's health disadvantage in low and high divorce settings. *SSM - Population Health*, 3, 473-486.
- Tobol, Y., & Yaniv, G. (2019). Parents' marital status, psychological counseling and dishonest kindergarten children: An experimental study. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 167, 33-38.
- Zimmer, D. M. (2010). The role of health insurance in labor supply decisions of divorced females. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 50(2), 121-131.